

درس توحید صدوق

جلسه ۱۷۴

آیت الله سیدان - دامت برکاته -

تاریخ: ۲۶ / ۹ / ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

✓ حدیث هشتم

عن أبان بن عثمان الأحمر قال: قلتُ للصادق جعفر بن محمد(ع) أخبرني عن الله تبارك وتعالى لم يزل سمياً بصيراً عليمًا قادراً؟ قال: نعم. فقلتُ له: إنَّ رجلاً ينتحل موالاةكم أهل البيت يقول: إنَّ الله تبارك وتعالى لم يزل سمياً بسمع وبصيراً ببصر وعلماً بعلم وقادراً بقدرة فغضب(ع) ثم قال: من قال ذلك و دان به فهو مشرك و ليس من ولايتنا على شيء. إن الله تبارك وتعالى ذات علامة سمیة بصیرة قادرة.

✓ ترجمه روایت

ابان بن عثمان می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم مرا از خداوند متعال خبر ده که آیا همیشه سمیع، بصیر، علیم و قادر بوده است؟ امام(ع) فرمودند: بله. گفتم: شخصی که خود را از دوستان شما اهل بیت می داند، می گوید: خداوند متعال همیشه سمیع به سمعی و بصیر به بصری و علیم به علمی و قادر به قدرتی بوده است. امام صادق(ع) غضب کردند و سپس فرمودند: هرکس این سخنان را بگوید و به آن معتقد باشد، مشرک است و هیچ چیز از دوستی و ولایت ما را ندارد. همانا خداوند متعال ذات واحدی است که بسیار دانا، شنوا، بینا و تواناست.

✓ توضیح روایت

إنَّ الله تبارك وتعالى لم يزل سمياً بسمع وبصيراً ببصر وعلماً بعلم وقادراً بقدرة

یعنی ذات مقدس حضرت حق است و قدرت، ذات است و علم، ذات است و سمع و ذات است و بصر یعنی ذات و صفت خداوند را دو چیز در نظر می گیرند.

توضیح مطلب اینکه این شخص می گوید: خداوند متعال همیشه سمیع بوده است اما به وسیله چیزی به نام سمع، و همیشه بصیر بوده است به وسیله چیزی به نام بصر، و همیشه دانا بوده است به وسیله چیزی به نام علم، و همیشه

قادر بوده است به وسیله چیزی به نام قدرت، یعنی خداوند به وسیله حقایق دیگری به نام علم، بصر، سمع، قدرت و... می داند و می شنود و می بیند و قادر است!

به عبارتی، خداوند به وسیله حقیقتی می شنود که این حقیقت غیر از حقیقتی است که خداوند به وسیله آن، می بیند، یا خداوند به وسیله حقیقتی می داند که این حقیقت غیر از حقایقی است که خداوند به وسیله آنها می بیند یا می شنود یا می تواند، در نتیجه به غیر از ذات خداوند قائل به قدماء دیگری شده است.

من قال ذلک و دان به فهو مشرک

اگر کسی به چنین مطلبی معتقد باشد، مشرک است؛ چون با خداوند چیزهای دیگری را در نظر گرفته است که آنها وسیله سمیع بودن، بصیر بودن، علیم بودن و قادر بودن خداوند هستند؛ در نتیجه علاوه بر خداوند، قائل به حقایق قدیم دیگری شده است و این شرک است. پس به هر اندازه ای که حقایق قدیمی را همراه با خدا در نظر بگیریم، به همان اندازه برای خداوند شریک قائل شده ایم.

گاهی در روایات برای استدلال به مطلبی که ادعا شده است فقط با یک کلمه به استدلال اشاره می شود و خود استدلال را به جهت روشنی بیان نمی کنند.

در این روایت هم برای ابطال این نظر فقط اشاره شده است که چنین کسی مشرک است و استدلال اینکه چرا مشرک است، بیان نشده است؛ چون روشن است که کسی که چنین سخنی را بگوید، قائل به قدمائی غیر از خداوند شده است و هرچه که قدیم باشد خداست پس این قدماء شریک خداوند هستند و کسی که چنین چیزی را بگوید برای خدا شریک قائل شده است.

ذات علامة سمیعة بصیرة قادرة.

یعنی یک حقیقت واحدی است که همان حقیقت سمیع و بصیر و علیم و قادر است. به اعتبار اینکه این حقیقت مسموعات را می داند به او سمیع گفته می شود، و به اعتبار اینکه به مبصرات آگاه است به او بصیر گفته می شود، و به اعتبار اینکه این ذات مقدوراتی دارد به او قادر گفته می شود، و به اعتبار معلوماتش به او علیم گفته می شود. پس ترکیبی در ذات مقدس نیست که اگر غیر از این مطلب باشد، یکی از اشکالاتش این است که شرک است.

بسم الله الرحمن الرحيم

✓ حدیث نهم:

عن أبی جعفر(ع) أَنَّهُ قال: من صفة القديم أَنَّهُ واحد، أحد، صمد، أحدى المعنى و ليس بمعان كثيرة مختلفة. قال: قلتُ: جعلتُ فداك، يزعم قوم من أهل العراق أَنَّهُ يسمع بغير الذى يبصر، و يبصر بغير الذى يسمع! قال: فقال: كذبوا و أَلحدوا و شَبَّهوا! تعالى الله عن ذلك إنه سميع بصير يسمع بما يبصر و يبصر بما يسمع. قال: قلتُ: يزعمون أَنَّهُ بصير على ما يعقلونه! قال: فقال: تعالى الله إِنَّمَا يعقل ما كان بصفة المخلوقين وليس الله كذلك.

✓ ترجمه حدیث

محمد بن مسلم می گوید: امام صادق(ع) فرمودند:
از صفات قدیم این است که یگانه و بی نیاز است، و أحدى المعنى است؛ یعنی معنای کثیره و مختلفه ای ندارد.
محمد بن مسلم گفت: فدایتان شوم، گروهی از اهل عراق گمان می کنند که خداوند متعال می شنود به غیر از چیزی که به آن می بیند، و می بیند به غیر از چیزی که به آن می شنود؟!!

امام(ع) فرمود:

دروغ گفتند و ملحد شدند و خداوند را تشبیه کرده اند و خداوند بلند مرتبه تر از آن است.
محمد بن مسلم گفت: آنها گمان می کنند که خداوند آنچنان که آنها تعقل می کنند، بیناست.

امام(ع) فرمود:

خداوند بلند مرتبه تر از این است. تنها چیزی که به صفت مخلوقین باشد، تعقل می شود، و خداوند اینگونه نیست.

✓ توضیح روایت

أَنَّهُ واحد، أحد

در حدیث معروفی امام علی(ع) قبل از جنگ جمل چهار معنا برای واحد فرمودند که دو معنای آن در مورد خداوند متعال غلط، و دو مورد آن، صحیح است.

اولین از دو معنای صحیح این است که: خدا واحد است؛ یعنی خداوند قابل تجزیه و تقسیم نیست.

دومین آن، این است که خدا واحد است یعنی خداوند شبیه و نظیر ندارد.

اما دو معنای واحد که در مورد خداوند غلط است، واحد عددی و واحد نوعی است که در این دو مورد قابلیت برای تکرار هست؛ یعنی واحدی است که می تواند کثیر باشد.

أحدی المعنی و لیس بمعان کثیرة مختلفة

اینکه گفتیم، خداوند واحد است، احد است، صمد است، به این معنا نیست که معانی متعددی در کار باشد. اینگونه نیست که اینها معانی مختلفی غیر از یکدیگر باشند و مجموع این معانی خدا باشند. در نتیجه خداوند مرکب از این معانی باشد؛ چون لازمه این سخن ترکیب است و روشن ترین استدلال بر اینکه ترکیب باطل است، این است که: لازمه ترکیب نیاز و احتیاج است و نمی شود خداوند محتاج باشد.

یزعمون أنه بصیر علی ما یعقلونه

بعضی گمان می کنند که وقتی می گوئیم خدا سمیع است یا خدا بصیر است؛ به همان معنایی است که در مورد خودشان فکر می کنند؛ یعنی همانگونه که خودشان تعقل می کنند، می بینند و می شنوند، همان معنا را به خداوند هم نسبت می دهند. در نتیجه همان طور که خودشان با گوش می شنوند ولی با چشم می بینند، و هر عضو فقط کار خود را انجام می دهد، می پندارند که خداوند هم به وسیله چیزی می بیند که به وسیله آن چیز نمی شنود و بالعکس! این حرف بطلانش واضح است؛ چون خداوند متعال را به خلق تشبیه کرده اند و بر بطلان تشبیه هم استدلال های فراوانی بیان شده است.

خداوند متعال ذات واحد و احدی است که از همان جهت که می بیند، از همان جهت می شنود؛ یعنی ذات واحدی است که به همان ذات بینا و شنواست.

إنما یعقل ما کان بصفة المخلوقین ولیس الله كذلك

تنها چیزی تعقل و تصور می شود که صفات مخلوقین را داشته باشد و خداوند متعال منزله از این است که صفت مخلوق را داشته باشد و صفاتش شبیه صفات مخلوق باشد. در نتیجه خداوند تعقل نمی شود. در پایان این روایت، مرحوم سید هاشم حسینی طهرانی تعلیقه ای دارند که بیان می شود.

أی بصیر بالآلة التي یعقلونها فی أنفسهم فرد(ع) ذلک بقیاس من الشکل الثانی أَنَّ المعقول لنا ما کان بصفة المخلوقین ولا شیء من الله بصفة المخلوقین فلا شیء من الله بمعقول لنا^۱.

^۱ شیخ صدوق، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی طهرانی، ص ۱۳۹، حدیث ۸

جمله یزعمون آنه بصیر بما یعقلونه؛ یعنی آنها گمان کرده اند که خداوند بصیر است به وسیله ابزار و وسیله ای که آنها تعقل کرده اند، پس امام(ع) این سخن را با استدلالی از شکل دوم رد کرده اند.

صورت استدلال امام علیه السلام بدین صورت است:

صغری: معقولات ما چیزهایی هستند که صفت مخلوقین را داشته باشند؛

کبری: خداوند صفت مخلوق را ندارد؛

نتیجه: پس خداوند معقول ما نیست.

✓ حدیث دهم:

عن هشام بن حکم فی حدیث الزندیق الذی سأل أبا عبدالله(ع) أنه قال له: أ تقول أنه سمیع بصیر؟ فقال أبو عبدالله(ع): هو سمیع بصیر، سمیع بغير جارجة و بصیر بغير آلة، بل یسمع بنفسه و یبصر بنفسه و لیس قولى إنه یسمع بنفسه أنه شيء والنفس شيء آخر ولكنی أردتُ عبارة عن نفسی إذ كنت مسئلاً و إفهاماً لك إذ كنت سائلاً فأقول یسمع بکله لا أن کله له بعض و لكنی أردتُ إفهامک والتعبیر عن نفسی و لیس مرجعی فی ذلك إلاّ إلى أنه السميع البصیر العالم الخبیر بلا اختلاف الذات والاختلاف المعنى.

✓ ترجمه روایت

زندیقی از امام صادق(ع) پرسید: آیا می گویی که خداوند سمیع و بصیر است؟

امام صادق(ع) فرمودند:

او سمیع و بصیر است؛ او سمیع است بدون جارجة و عضو، و بصیر است بدون ابزار و وسیله، بلکه بنفسه و به خودش می بیند و می شنود. اینکه می گویم او بنفسه می شنود، منظور این نیست که خداوند چیزی است و نفس او چیز دیگر، ولی خواستم از جانب خود عبارتی بگویم چراکه از من سؤال شده بود و خواستم به تو بفهمانم؛ زیرا سؤال کرده بودی، پس می گویم خداوند متعال به کُلش می شنود البته نه اینکه کُلّ او جزء داشته باشد لکن خواستم به تو مطلبی بفهمانم و از جانب خود از این مطلب تعبیر کنم بازگشت من از این عبارات و مطالب جز این نیست که خداوند سمیع، بصیر و آگاه است بدون اینکه ذات و معنا مختلف باشد.

✓ توضیح روایت

ولکنی أردتُ عبارة عن نفسی

امام(ع) تذکر دادند اینکه می گویم به خودش می بیند گمان نکنی دو چیز است یکی خود ذات خداوند و دیگری چیزی که به آن خدا می شنود. این از باب ضیق الفاظ است و عبارتی بهتر از این نیست که مطلب را بیان کند؛ چون از من سؤال کردی باید به تو جواب بدهم و عبارتی که بتواند مطلب را برساند جز اینگونه عبارتها که مقداری مطلب را نزدیک می کند، وجود ندارد.

یسمع بکله لا أن کله له بعض

یعنی اینگونه نیست که یک بخش از خدا وسیله سمیع بودن باشد، و بخشی دیگر وسیله بصیر بودن باشد و هکذا. پس اینکه می گویم خدا به کُلش می شنود، منظور این نیست که خداوند اجزائی دارد و با کل این اجزاء می شنود.

✓ خلاصه بحث

۱. اگر کسی بگوید خداوند متعال همیشه سمیع بوده است اما به وسیله چیزی به نام سمع، و همیشه بصیر بوده است به وسیله چیزی به نام بصرو... مشرک است؛ چون با خداوند چیزهای دیگری را در نظر گرفته است که آنها وسیله سمیع بودن، بصیر بودن، علیم بودن و قادر بودن خداوند هستند؛ در نتیجه علاوه بر خداوند، قائل به حقایق قدیم دیگری شده است و این شرک است. پس به هر اندازه ای که حقایق قدیمی را همراه با خدا در نظر بگیریم، به همان اندازه برای خداوند شریک قائل شده ایم.

بلکه خداوند یک حقیقت واحدی است که همان حقیقت سمیع و بصیر و علیم و قادر است. به اعتبار اینکه این حقیقت مسموعات را می داند به او سمیع گفته می شود، و به اعتبار اینکه به مبصرات آگاه است به او بصیر گفته می شود، و به اعتبار اینکه این ذات مقدوراتی دارد به او قادر گفته می شود، و به اعتبار معلوماتش به او علیم گفته می شود. پس ترکیبی در ذات مقدس نیست که اگر غیر از این مطلب باشد، یکی از اشکالاتش این است که شرک است.

۲. اینکه گفتیم، خداوند واحد است، احد است، صمد است، به این معنا نیست که معانی متعددی در کار باشد. اینگونه نیست که اینها معانی مختلفی غیر از یکدیگر باشند و مجموع این معانی خدا باشند. در نتیجه خداوند مرکب از این معانی باشد؛ چون لازمه این سخن ترکیب است و روشن ترین استدلال بر اینکه ترکیب باطل است، این است که: لازمه ترکیب نیاز و احتیاج است و نمی شود خداوند محتاج باشد

۳. بعضی گمان می کنند که وقتی می گوئیم خدا سمیع است یا خدا بصیر است؛ به همان معنایی است که در مورد خودشان فکر می کنند؛ یعنی همانگونه که خودشان تعقل می کنند، می بینند و می شنوند، همان معنا را به خداوند هم نسبت می دهند. در نتیجه همان طور که خودشان با گوش می شنوند ولی با چشم می بینند، و هر عضو فقط کار خود را انجام می دهد، می پندارند که خداوند هم به وسیله چیزی می بیند که به وسیله آن چیز نمی شنود و بالعکس! این حرف بطلانش واضح است؛ چون خداوند متعال را به خلق تشبیه کرده اند و بر بطلان تشبیه هم استدلال های فراوانی بیان شده است.

۴. امام صادق(ع) فرمودند:

خداوند سمیع و بصیر است؛ او سمیع است بدون جارج و عضو، و بصیر است بدون ابزار و وسیله، بلکه بنفسه و به خودش می بیند و می شنود. اینکه می گوئیم او بنفسه می شنود، منظور این نیست که خداوند چیزی است و نفس او چیز دیگر، ولی خواستم از جانب خود عبارتی بگویم چرا که از من سؤال شده بود و خواستم به تو بفهمانم؛ زیرا سؤال کرده بودی، پس می گوئیم خداوند متعال به کُلش می شنود البته نه اینکه کُلّ او جزء برای او باشد لکن خواستم به تو مطلبی بفهمانم و از جانب خود از این مطلب تعبیر کنم بازگشت من از این عبارات و مطالب جز این نیست که خداوند سمیع، بصیر و عالم و آگاه است بدون اینکه ذات و معنا مختلف باشد.